

خدمات به شهرهایی است که بر اساس استاندارد‌ی شکل گرفته‌اند و دارای زیربنای اولیه هستند اما این محیط‌ها که قطعه‌بندی‌شان اشکال دارد، شرایط خاصی دارند.

❖ اینکه برخی از روستاهای ضابطه به شهرها ملحق می‌شوند، در حوزه اختیارات شهرداری‌ها نیست یا برخی ساخت‌وسازها که خارج از حریم شهر انجام و به‌مرور به شهرها اضافه می‌شود، در حوزه فعالیت شهرداری‌ها نیست، بنابراین به نظر می‌رسد نیاز به یک سازمان فرادستگاهی است تا بتواند به حاشیه شهر سامان بدهد و جلوی توسعه آن را بگیرد.

❖ صحبت شما ناظر به این بحث است که حریم شهرداری‌ها را چگونه انتخاب کنیم، درواقع اساساً این مناطق از ابتدا باید در حریم شهرداری‌ها باشد تا شهرداری‌ها بتوانند بر زمین کنترل داشته باشند؛ یکی از مشکلات ما همان حاکمیت دوگانه است، یک سری مناطقی داریم که از کنترل شهرداری‌ها خارج است و در این مکان‌ها معمولاً حاشیه‌نشینی رخ می‌دهد، تصور من این است که حریم شهرداری‌ها را طوری باید تنظیم کرد که مناطق مختلف به هم موازییک شوند و هیچ نقطه‌ای خارج از حریم شهرداری نباشد.

❖ پس شما معتقدید شهرداری‌ها پیش‌تاز و مسئول حاشیه شهر هستند، باین‌حال برای ساماندهی حاشیه شهر، موضوع سازمان حاشیه شهر به‌عنوان نهادی فرادستگاهی کارگشا خواهد بود؟

❖ همان‌طور که گفت‌م راه حال مسئله حاشیه شهر این است که شهرداری برای این کار سازمان‌دهی خاص خودش را انجام دهد، شهرداری نمی‌تواند با سازمان موجودش این کار را انجام دهد.

❖ نقش برنامه‌های توسعه‌ای را در ایجاد شرایط فعلی برای شهرهای ما و ایجاد حاشیه‌نشینی چگونه می‌بینید؟

❖ هدف جمهوری اسلامی، تعالی معنوی و رفاه اجتماعی متعادل و پایدار بین آحاد ملت ایران و منطقه است؛ اما با هر شاخصی که نگاه می‌کنیم، در بحث‌های کمی و توزیعی دچار نقص‌های جدی هستیم، باید تعارف را کنار بگذاریم و تصمیمات درستی بگیریم؛ قرار بود سرزمین ما آباد شود اما الان پس از ۳۵ سال تهران ۱۵ میلیون نفر جمعیت، مشهد ۵ میلیون نفر، اصفهان ۵ میلیون نفر و دیگر شهرهای بزرگ هم تراکم بالایی جمعیتی دارند. تمرکز جمعیت زیاد در ۱۰ نقطه شهری ایران با بیش از ۵۰ درصد جمعیت شهرنشین در حالی است که حدود هزار و ۱۰۰ شهر ایران کمتر از ۵۰ درصد شهرنشین دارد، ما قطعاً به دنبال چنین چیزی نبودیم، زیرا رشد حاشیه‌نشینی در ایران بسیار بالاست؛ شهر مشهد با ۳۰ درصد حاشیه‌نشینی، بندرعباس با ۴۰ درصد و تهران با درصد بالایی از حاشیه‌نشینی روبه‌رو است، ضمن آنکه در دولت قبل شهرهای جدید طراحی شد که همان حاشیه‌نشینی مدرن است.

❖ آیا در ایران به مدیریت منطقه‌ای و مبتنی بر شرایط بومی نزدیک شده‌ایم؟

❖ از سال ۷۵ طرح آمایش سرزمین به تصویب رسید؛ به این معنا که از ۱۸ سال

پیش ما این طرح را در کشور داریم، ضمن آنکه از دوره مرحوم کاررونی هم به دنبال کنترل ۷ میلیونی جمعیت تهران بودند اما الان وضعیت چگونه است؟ تهران به بالای یازده میلیون نفر جمعیت رسیده است، این‌ها در شرایطی است که تمامی قوانین در کشور وجود داشته است.

❖ همان‌طور که گفتید، در کشور بسیاری از قوانین وجود دارد (مثل طرح آمایش سرزمین که همه شعارش را می‌دهند) اما محقق نمی‌شود، علت اجرایی نشدن چنین قوانین و تمهیداتی چیست، شاید اگر قوانین فعلی به‌درستی اجرا می‌شد وضعیت حاشیه‌نشینی دچار این وضعیت بغرنج نمی‌شد؟

❖ تا وقتی که مدیریت سیاسی که نماینده دولت مرکزی است بخواهد تصمیمات عمرانی بگیرد، همین اتفاقات رخ می‌دهد، مدیر استانی به دنبال فروش ضوابط برای تأمین اعتبار است، همین اتفاقی که دولت‌های مختلف تجربه کردند و در ۸ سال گذشته به اوج رسید، به‌طور نمونه امروز برای آباد کردن شهر تهران ضوابط را فروختند و زندگی را مختل کردند.

تکلیف مدیریت محلی باید در کشور روشن شود، الان ما در کشور مدیریت سیاسی مرکزی، استانداری، فرمانداری، بخشداری و دهیاری داریم که هر کدام جداگانه تصمیم‌گیری می‌کنند، همین امر موجب می‌شود که یک دهیار در نزدیک مشهد ۱۰۰ هزار مترمربع پروانه صادر کند، آیا با این روند، توسعه پایدار محقق می‌شود؟

❖ یکی از علل نا به سامانی حاشیه شهرها همین تعارض بین برنامه‌های توسعه‌ای روستاهای مجاور شهرها و خود شهرهاست، روستاها به‌درستی توسعه پیدا نمی‌کنند یا این که بدون فراهم شدن زیرساخت‌ها به شهرها ملحق می‌شوند، درواقع هماهنگی بین بخشداری و فرمانداری با شهرداری‌ها وجود ندارد!

❖ باید دوگانگی شهرداری و فرمانداری را برطرف کنیم، یعنی با شهرداری با فرمانداری را حذف کنیم یا اینکه حداقل بخش اداری را حذف کنیم و بگوییم که دولت مرکزی تا فرمانداری تسری پیدا کند؛ ما دوگانگی دولتی را تا حد دهمار برده‌ایم و روزی باید در این باره تصمیم‌گیری کنیم و کسی باید مسئولیت اجرای آن را به عهده بگیرد، تا کی می‌خواهیم پینگ‌پنگ بین دهیار، بخشدار و شهردار ادامه پیدا کند؟

توسعه پایدار منطقه‌ای نیازمند مدیریت نسبتاً مستقل محلی است و باید سطح مدیریت محلی را در ایران روزی به رسمیت بشناسیم. ما نیازمند یکپارچگی در مدیریت محلی و بخشی هستیم، پیشنهاد من این است که به قانون تقسیمات کشوری بازگردیم و سقف تقسیمات را محدود و یکپارچگی مدیریت سرزمینی ایجاد کنیم. امروزه مدیریت سیاسی در پروژه‌های عمرانی دخالت دارد، در حالی که وزارت کشور مسئول توسعه سیاسی است نه توسعه عمرانی، در بیشتر کشورها هماهنگی امور شهرداری‌ها از سوی یک وزارتخانه مستقل انجام می‌گیرد و وزارت کشور مسئول ایجاد نظم سیاسی، امنیتی و اجتماعی است، اینکه وزارت کشور مسئول امور شهرداری‌ها باشد، نتیجه این است که شهرداری با وزارت کشور هماهنگی می‌کند اما کنترل و نظارت وجود ندارد.

## نقد



## مسکن اجتماعی؛ وعده‌ای که محقق نشد

عبار آتلاین: وزیر راه و شهرسازی در آبان ماه ۹۲، با توقف طرح مسکن مهر، طرح مسکن اجتماعی را به‌عنوان جایگزینی برای حمایت از گروه‌های کم‌درآمد معرفی نمود. آخوندی وعده آغاز طرح مسکن اجتماعی را از اواخر سال ۹۳ داد. پس از گذشت دو سال از عمر دولت یازدهم، نه تنها طرح مسکن اجتماعی به مرحله اجرا نرسیده، بلکه حتی برنامه‌ریزی آن هم نهایی نشده و صرفاً لفظ آن در سخنان وزیر شنیده می‌شود. تنها اقدام اجرایی وزارت در خصوص طرح مسکن اجتماعی، آماده کردن پیش‌نویس یک تفاهم‌نامه میان وزارت راه و شهرسازی و وزارت تعاون، تحت عنوان برنامه مشترک است که هنوز به امضای طرفین نرسیده است. بی‌توجهی به افزایش ساخت مسکن، در حالی است که کشور به ساخت ۲ میلیون واحد مسکن در سال نیاز دارد.